

دلالت‌های کیفی تربیتی نهج البلاغه بر شاخص‌های تدریس مؤثر

مهدی محمدزاده بنی طرفی* / حمیدرضا مشهدی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

چکیده

جامعه دینی مبتنی بر منابع اصیل دینی خود، به بازخوانی و طراحی الگوهای کلان اجتماعی می‌پردازد. در ایران اسلامی که خواهان برپایی تمدن نوین اسلامی است، این مسئله ظهور و بروز بیشتری نیز دارد. یکی از کلان‌الگوهای نظام اجتماعی در تمدن نوین اسلامی، نظام آموزشی و یکی از منابع اصیل این تمدن نیز نهج البلاغه است. از این رو ضرورت دارد که دلالت‌های تربیتی نهج البلاغه بر شاخصه‌های تدریس مؤثر مورد بررسی قرار گیرد. از جمله شاخص‌های تدریس مؤثر می‌توان به گفتار روان، ساده‌گویی، پرهیز از پیچیده‌گویی اشاره نمود. از سوی دیگر، نهج البلاغه نیز نوعی ظریف از فصاحت و بلاغت را در بر دارد که هم از لحاظ محتوایی و هم از لحاظ ساختاری می‌تواند بیانگر الگوی آموزشی مطلوب باشد. این الگوی آموزشی، توانایی سنجش کمی و کیفی نظام آموزشی مطلوب را هم دارد. پژوهش حاضر اطلاعاتی که به صورت کتابخانه‌ای به دست آمده است، را به صورت توصیفی-تحلیلی بررسی نموده و دلالت‌های کیفی تربیتی نهج البلاغه بر شاخصه‌های تدریس مؤثر، بررسی و کاوش می‌گردد. اما طراحی الگوی مطلوب مستنبط از نهج البلاغه به پژوهش‌های آینده واگذار می‌گردد.

واژگان کلیدی

شاخصه، تدریس، نهج البلاغه، آموزش، فرهنگ.

*. استادیار، گروه معارف، پردیس شهید رجائی، دانشگاه فرهنگیان قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

m.mohamadzadeh@cfu.ac.ir

** استادیار، گروه علوم تربیتی، پردیس شهید رجائی، دانشگاه فرهنگیان قزوین، ایران

h.r.mashhadi@cfu.ac.ir

مقدمه

هر نظام تمدنی؛ برای پیش بردن هر کار منظم و منطقی نیازمند مجموعه‌ای از طرح‌ریزی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها است که بتواند در عین بررسی کمی، کیفیت آن را نیز مورد بررسی و سنجش قرار دهد. در واقع این مجموعه طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی به مثابه خط کشی برای صحت و سقم مسیر پیش رو به شمار می‌رود. از جمله نظام‌های نیازمند طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی، نظام آموزشی و تدریس است. در نتیجه، کار تدریس نیز در عین سختی، دارای یک سری ظرایفی است که از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. به عبارتی؛ بحث تدریس و برنامه‌ریزی آموزشی برای موثر بودن آن یکی از چالش‌انگیزترین بحث‌ها در مقوله آموزش و تدریس است که نیازمند سنجش کمی و کیفی است.

برنامه‌ریزان درسی نحوه اجرای برنامه درسی را در قالب روش تدریس و انتخاب و طراحی آن پیش‌بینی یا تعیین می‌کنند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۹) و بیشتر صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در دیدگاه سنتی تدریس را انتقال دانش، ایجاد آگاهی، درس دادن و شکل دهی معرفت تعریف می‌کنند (کار و همکاران، ۱۳۹۳). اما نقش معلم در این فرایند صرفاً انتقال دهنده و تغذیه‌کننده اطلاعات است که امروزه دیگر پذیرفتنی نیست زیرا نسبت به بسیاری از مولفه‌های تدریس موثر غفلت کرده است (براون و هینوستروزا^۱، ۲۰۱۴). در طی سال‌های گذشته یک حرکت جهانی از سوی پژوهشگران، دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران برای مطالعه عوامل موثر در کارآمدتر کردن نظام‌های آموزشی و از جمله تدریس شروع شده است (دانیل^۲ و رینولدز^۳، ۲۰۱۱).

نهج البلاغه اثر جاودانه در دایره فرهنگ، علم و اندیشه بشری است که هر پژوهشگر ژرف‌نگری آن را بالاتر از کلام بشر و پایین‌تر از کلام خالق می‌یابد و لقب "اخ القرآن" (برادر قرآن) را زینده آن می‌داند و اذعان می‌نماید که امام علیه السلام در هر میدانی که گام می‌نهد چنان حق‌مطلب را ادا می‌کند که گویی تمام عمر خویش را به بحث و پژوهش درباره همان موضوع پرداخته است. امام علی علیه السلام درباره گستره علم خودشان را با چنین صراحتی بیان می‌فرمایند که:

«أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْدُونِي، فَلَا تَابُطِرِقِ السَّمَاءِ أَعْلَمَ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ، قَبْلَ أَنْ تَشْعَرَ بِرَجْلَيْهَا فَتَنْتَهَ تَطَأُ فِي خِطَائِهَا وَتَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا». (خطبه ۱۸۹)

1. Brun & Hinostroza

2 - Daniel

3 - Reynolds

«ای مردم پیش از آن که مرا نیابید، آنچه می خواهید از من بپرسید، که من راههای آسمان را بهتر از راههای زمین می شناسم بپرسید قبل از آن که فتنه ها چونان شتری بی صاحب حرکت کند، و مهار خود را پایمال نماید، و مردم را بکوبد و بیازارد، و عقل ها را سرگردان کند.»

نهج البلاغه؛ اگرچه گزیده‌ای از خطبه‌ها و نامه‌های حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) است، لکن هم ساختاری بیانی حاکم بر آن و هم محتوای درونی آن، در بردارنده آموزه‌های بسیاری به همراه فصاحت و بلاغت است که می‌تواند در امر تدریس مؤثر شاخص ساز باشد. استنباط همه این آموزه‌ها نیازمند پژوهشی تفصیلی و مطول بوده که از دامنه این نگارش خارج است و در این نوشتار به دلالت‌های تربیتی نهج البلاغه بر شاخصه‌های تدریس مؤثر پرداخته می‌گردد و استنباط مجموعه آموزه‌ها، روابط بین آنها و الگوی مستنبط از آنان به پژوهش‌های آینده سپرده می‌گردد. البته شایان ذکر است؛ آنچه که در این نوشتار به رشته تحریر آمده است، دلالت‌های کیفی تربیتی سیره علوی بر شاخصه‌های تدریس مؤثر است و از آنجایی که دال مرکزی این سیره نهج البلاغه است، از جهت تسمیه کل به جزء، دلالت‌های کیفی تربیتی نهج البلاغه نامیده شده است.

مفهوم شناسی شاخصه‌های تدریس مؤثر

عملکرد معلمان در کلاس درس و سایر محیط‌های یادگیری، تحت تأثیر عوامل فراوانی است که مهمترین عوامل عبارتند از: نگاه آنان به تدریس، باورهایشان درباره موضوع درسی، دانش آنان از موضوع، مهارت‌های حرفه‌ای آنان در سازمان‌دهی و مدیریت، ویژگی های شخصی آنان، ادراکشان از وضعیت موجود و رفتارهای تدریس و موقعیتی که در آن تدریس می‌کنند (الیس^۱ و لوولس^۲، ۲۰۱۳). نحوه مدیریت این شرایط در کلاس درس توسط معلم، سبب تدریس مؤثر و پویایی متعلمان می‌گردد. در تدریس مؤثر چهار ویژگی مورد توجه واقع می‌گردد که عبارتند از:

- ۱- وجود تعامل بین معلم و فراگیران.
- ۲- تنظیم و پیش بینی فعالیت بر اساس اهداف معین و از پیش تعیین شده.
- ۳- در نظر گرفتن شرایط، موقعیت و امکانات در فرایند طراحی منظم.
- ۴- فراهم نمودن فرصت یادگیری و تسهیل روند آن.

1. Ellis

2. Loveless

بر این اساس می‌توان گفت تدریس مؤثر فرایند علمی و پیچیده‌ای است که از پیش توسط معلم برنامه‌ریزی و طراحی شده است و با هدف ایجاد تعامل و درگیری میان فراگیران با موضوعات و مطالب درسی مورد یادگیری به وسیله او در کلاس درس اجرا می‌شود. (شعبانی (۱۳۹۳)) لذا تدریس معطوف به عمل یادگیری بین اشخاص است که هدفمند می‌گردد. (موسی پور (۱۳۹۲)) هدفمندی تدریس، سبب مؤثر بودن آن می‌شود.

هر فعالیت انسانی، دارای خروجی و محصول است. محصول تدریس مؤثر نیز تأثیر پذیری متعلمان می‌باشد. آن چیزی که مبنای اندازه‌گیری باشد، شاخص نامیده می‌گردد. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۳۲) و هر یک از عناصر این مبنا، شاخصه نام دارد. از این رو؛ عناصر مؤثر در اندازه‌گیری تدریس مؤثر، شاخصه تدریس مؤثر نامیده می‌گردد.

شاخصه‌ها روش تدریس کارآمد در کلام حضرت علی (علیه السلام)

شناخت شاخصه‌های تدریس موفق در کلام حضرت علی (علیه السلام) در دو سطح عمومی و اختصاصی امکان پذیر است. در سطح کلی به اصول و قواعدی می‌پردازد که در علوم مختلف کاربرد دارد و در سطح اختصاصی، به بیان قواعدی پرداخته می‌شود که به مختص تربیت و تدریس کاربرد دارد. این دو سطح عبارتند از:

الف) شاخصه‌های عمومی

شاخصه‌های کلی یک تدریس و کلاس داری موفق دارای عواملی است که مهمترین آنان عبارتند از:

۱. الگوی رفتاری

در زندگی انسانی، رفتار بزرگان و چهره‌های شاخص، الگو برای جامعه و مجموعه مرتبط با آنها هستند. لذا هر تمدنی برای ادامه حیات خود به برجسته‌سازی چهره‌های شاخص می‌پردازد. در تمدن غرب، هنرمندان سینمایی و ورزشکاران مصادیق تحقق این اصل در جامعه غربی هستند. در تمدن غرب تلاش می‌شود که با هنر و غیره به برجسته‌سازی یک فرد در راستای تحمیل اراده خود به عنوان شاخص تلاش کند. از این رو، افراد مشهور که غالباً دارای عمق اخلاق انسانی نیستند و فقط به کمک رسانه به شاخص تبدیل شده‌اند، از جمله چهره‌های برجسته شناخته شده و افرادی که دارای اندیشه و اخلاق عمیق انسانی هستند، در حاشیه قرار دارند. آنچه که بیان شد، مرز فارق بین تمدن اسلامی و تمدن غرب است. در تمدن اسلامی، چهره شاخص، دارای عمق خودسازی است و هر چه این خودسازی معنوی بیشتر باشد، الگوی کاملتر و مناسب‌تر برای جامعه است.

نمونه تام و کامل به عنوان یک الگو و اسوه، در جامعه اسلامی حضرت رسول اکرم ﷺ و خاندان او هستند. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«انظروا اهل بیت نبيكم فالزموا سمتهم واتبعوا اثرهم فلن يخرجوكم من هدى ولن يعيدوكم في ردى فان لبدا و فالبدا و ان نهضوا فانهضوا ولا تسبقوهم فتضلوا ولا تتأخروا عنهم فتهلكوا»

(خطبه ۹۷) یعنی «نگاه کنید به اهل بیت پیغمبر ﷺ خود (امیر المؤمنین و فرزندان او) و از طریق ایشان جدا نشده رفتارشان را پیروی کنید که هرگز شما را از راه راست بیرون نمی برند، و به هلاکت و گمراهی بر نمی گردانند». لذا اهل بیت رسول خدا ﷺ الگوهای راهنمایی هستند که مسیر را دقیق نشان داده و فرد را به مقصد مطلوب رهبری می کنند.

خدای متعال در قرآن کریم می فرماید:

«كنتم خير امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر و تؤمنون بالله، و لو آمن اهل الكتاب لكان خير ائمتهم، منهم المؤمنون و اكثرهم الفاسقون» ((آل عمران / ۱۱۰))

یعنی شما اهل بیت محمد و پیروانتان بهترین مردم بوده اید که از عالم غیب بیرون آمده برگزیده شده اید تا امر بمعروف و نهی از منکر کرده و بخدا ایمان آورید، و اگر اهل کتاب ایمان آورده پیروی شما نمایند برای آنها از کفر بهتر است، بعضی از ایشان ایمان آوردند و بیشترشان فاسق مانده از راه حق بیرون رفته ایمان نیاورند.

همچنین در آیه ای دیگر می فرماید:

«و لقد كان في رسول الله - صلى الله عليه و آله - كاف لك في الاُسوة، و دليل لك على ذم الدنيا و عيبتها، و كثرة محازبها و مساوئها، اذ قبضت عنه اطرافها، و وطئت لغيره اكنافها، و فطم عن رضاعها، و زوى عن زخارفها.» (خطبه ۱۶۰)

یعنی برای یک انسان کافی است که روش رسول خدا ﷺ را سرمشق خود قرار دهد و دلیل و راهنمای خود در نکوهش دنیا و مذمت آن و رسوایی فراوان و بدی هایش شمرده و مسیر زندگی خود را به سوی سعادت طی نماید.

امام علی (علیه السلام) درباره الگو پذیری جامعه می فرماید:

«ليتأس صغيركم بكمبركم و ليرأف كبيركم بصغيركم و لا تكونوا كجفاه الجاهلية لا في الدين يتفقون و لا عن الله يعقلون» (خطبه ۱۶۶)

یعنی کوچک شما باید از بزرگان پیروی کند، و بزرگ شما به کوچکتان مهربان باشد، و مانند ستمکاران زمان جاهلیت نباشید که نه در دین و شریعت کنجکاوی می‌کردند، و نه از شناختن خدا عقل بکار می‌بردند.

یعنی ضرورت دارد که افراد از بزرگان خود الگو پذیر باشد. بزرگان در این روایت، اگرچه ظهور در بزرگ از منظر سن دارد، لکن منافاتی ندارد که از آن بزرگ از منظر شرافت و علم را استنباط نمود. افرادی که از منظر سن، بزرگ‌تر هستند، معمولاً دارای تجربه بوده و می‌توانند مسیر حرکت را مشخص نمایند. ثبت تجربه سبب پیدایش علم و کسب علم نیز سبب شرافت می‌گردد.

کسی که به کسب علم می‌پردازد، همان شرافت کسی که با گذر عمر کسب تجربه نموده است، را کسب خواهد نمود. در نتیجه صلاحیت الگو شدن را دارد و معلمی که می‌خواهد این تجربیات را به شاگردان و متعلمان انتقال دهد، ضرورت دارد که خود را برای الگو شدن مهیا سازد. یک معلم، شاید به متعلم خود ریاضی یا فیزیک آموزش دهد، اما سبک رفتاری و حسن خلق او نسبت به متعلم، آموزگار بزرگ زندگی است. حسن خلق، خواسته یا ناخواسته، دانشجو را به کلاس درس علاقه‌مند نموده و بهره‌وری از درس و تأثیر آن را بیشتر می‌سازد.

۲. فن تدریس

در کلامی از حضرت علی (علیه السلام) آمده است:

«الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَلَ صَالِحًا بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْ صَيْلًا عَلَيْهِ؛» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ۲۰: ۳۱۹)
 «دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد، با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد، بر او یورش برند».

این یک اصل کلی است که شامل مطلق علم آموزی می‌گردد. فن تدریس به مثابه یک دانش در فرآیند تربیتی متعلمان نیز شامل این قاعده شده و اگر یک مربی و معلم بر آن مسلط گردد، در فرآیند آموزشی و انتقال محتوا نیز سلطنت می‌یابد. به عبارتی؛ برای یک تدریس در طراز موفق و تأثیرگذار، لازم است که استاد از مهارت‌های مختلف ارتباطی، کلامی، رفتاری و غیره برخوردار باشد و در واقع در صورتی که استاد مسلح به این مهارت‌ها و فنون باشد می‌تواند بسیاری از امور تدریسی خود را به نحو احسن به پیش ببرد.

یک مساله ای که در امر خطیر تدریس باید مورد عنایت واقع شود مهارت‌های کلاس داری و تدریس

است که این نوع مهارت ها به نوعی یک علم و فن محسوب میشوند که برای هر کسی که میخواهد تدریس بکند علاوه بر علمیت لازم و توانایی های رفتاری استاد، مورد نیاز می باشند. تا اینکه فعالیت های علمی و تربیتی استاد نتیجه ای بس مطلوب تر از گذشته داشته باشد. مهارت و فن تدریس سطوح مختلف دارد که از آن جمله توجه به سطح علمی، فرهنگی و رفتاری دانشجو و آگاه سازی آنها نسبت به وقایع پیرامونی و ارائه متد و روش صحیح برای ادامه زندگی را می توان نام برد.

در یک اشتباه رایج، تصور می شود؛ صرف اینکه استاد دارای توانایی علمی کافی باشد دیگر نیاز به کسب مهارت ها و فنون لازم برای کلاس داری و شیوه برگزاری کلاس و همچنین فن انتقال مطلب به دانشجو را ندارد چونکه علمیت دارد! بارها نیز در دانشگاه ها و مقاطع مختلف دیده شده است که یک استاد دارای کارنامه پژوهشی عالی همانند مقاله، کتاب، ترجمه و غیره بوده است. اما در کلاس درس ناموفق بوده و نتوانسته مطالب کتاب را به دانشجویان انتقال دهد، مضاف بر اینکه تأثیر مثبت بر مسیر زندگی آنان گذارد. چه ناتوانی در ارائه مطلب، سبب تأثیر معکوس در فرآیند آموزشی و تدریس نیز گردد.

اگر استاد تسلطی به این فنون ندارد عیبی ندارد و عدم توانایی به معنای پایان راه معلمی و استادی نیست. بلکه برای رفع این مشکل باید درصدد آموزش این مهارت ها باشد. همانطوری که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

« وَلَا يَسْتَحِينُ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ وَلَا يَسْتَحِينُ أَحَدًا إِذَا فَرِعَ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ. » (نهج البلاغه، حکمت ۸۲)

نباید، هیچ یک از شما در برابر پرسش از چیزی که نمی داند شرم کند که بگوید من نمی دانم و نباید کسی که چیزی را نمی داند شرم کند، از این که آن را بیاموزد.

هر انسانی در فرآیند زندگی خود متناسب با مأموریتی که در زندگی دارد، نیازمند آموزش هایی است تا مهارت کافی در جهت مأموریت خود را کسب نماید. مأموریت یک معلم و استاد نیز تدریس است و برای تدریس نیازمند کسب مهارت در فن تدریس است. از این رو؛ ضرورت دارد؛ هم خود استاد و معلم و هم سازمان یا نهاد مربوطه در جهت بسترساز مهارت افزایی و مهارت آموزی همت نمایند.

3. قدرت انتقال مطالب علمی

از جمله وظایف ذاتی کلاس درس، انتقال مطالب علمی است. مطالب علمی به روش های مختلف انتقال می یابد که یک نمونه از آن کلاس درس است. لذا از ضرورت های معلم و استاد در دانشگاه یا مدرسه قدرت انتقال مطالب علمی است که همین انتقال مطالب علمی، در آموزه های دینی «زکات علم» شمرده

شده است. در روایتی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نقل شده است :

«زَكَاةُ الْعِلْمِ بَدَلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ وَاجْتِهَادُ النَّفْسِ فِي الْعَمَلِ بِهِ» (امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، غررالحکم

ص ۳۹۱) زکات دانش، آموزش به کسانی که شایسته آنند و کوشش در عمل به آن است.

همانطوری که در روایت ذکر شده است زکات فرد عالم انتشار علمش به متعلمین و دانشجویان است اما یک نکته ی مهم این است که استاد به چه شیوه ای میخواهد این مطالب را منتقل بکند، که به ذهن دانشجو بنشیند و از مطلب علمی لذت ببرد این به هنر و ذوق استاد بستگی دارد. ممکن است علیرغم توانایی استاد در مطلب علمی اما نتیجه مطلوب را در انتقال مطلب به دانشجو نبیند و این احتمالاً بدلیل ضعف در انتقال مطلب توسط استاد است هر چند این مطلب با تمرین و ممارست توسط استاد قابل حل است ، به شرط اینکه متوجه اشکال خود در این زمینه باشد و درصدد رفع آن مانع برآید.

ب) شاخصه‌های اختصاصی تدریس مؤثر

1. گفتار روان

فصاحت و بلاغت استاد در بیان مطالب علمی، یکی از مهمترین مؤلفه‌های مدیریت تدریس مؤثر در فرآیند انتقال مطالب علمی است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«الْبَلَاغَةُ مَا سَهَّلَ عَلَى الْمَنْطِقِ وَخَفَّتْ عَلَى الْفِطْنَةِ» (امیرالمؤمنین (علیه السلام)، غررالحکم، حدیث ۱۸۸۱)

بلاغت آن است که به گفتار، روان و به فهم، آسان باشد.

استاد می‌تواند با استفاده از جملات ساده و قابل فهم برای قاطبه دانشجویان خود زمینه همه فهمی آنها را بگستراند و از قضا این شیوه ارائه، بیانگر تسلط استاد به مطالب علمی و فهمیده شدن آن مطالب برای خود استاد است، که میتواند مطالب سخت را به زبان ساده برای کسانی که بعضاً اولین بار است که آن مطلب علمی را می‌شنوند باشد و از طرف دیگر نشانگر وجود اعتماد به نفس اجتماعی در موقعیت کلاسی استاد است. و در ضمن با این شیوه از بیان کلمات دشوار و جملات ناقص سبب تشویش ذهن دانشجوی خود نمی‌شود.

فصاحت و بلاغت در بیان مطالب علمی دارای روش‌ها و الگوهای مختلف است که باید در ساختار آموزش‌های مهارتی اساتید و معلمان قرار گرفته و به آنان آموزش داده شود. فصاحت دور بودن زبان از لکنت در گفتار و همچنین سخن گفتن به وضوح و روشنی است. اما بلاغت سخن گفتن بر اساس حال مخاطب است. یعنی اگر مخاطب تیزهوش است، از اطاله کلام و توضیح زیاد باید دوری نمود و اگر درک مخاطب متوسط است، باید بیشتر توضیح داد. همچنین اگر روزی مخاطب خسته بوده و توان حضور در

کلاس ندارد، متناسب با حال او، کلاس باید مختصر و مفید باشد و از ارائه مطالب سنگین علمی که متناسب حال او نیست، دوری نمود. دقت در فصاحت و بلاغت، سبب روانی در گفتار و موجب تأثیر بیشتر تدریس خواهد شد.

2. دقت بیان

یکی از شاخصه‌های مهم در تدریس مطالب علمی، دقت در بیان مطالب است. ارائه دقیق مطالب از دو جهت قابل بررسی است؛ مخاطب و مطلب. در جهت نخست باید وضع و حال مخاطب مورد دقت قرار گیرد و بر اساس آن مطالب علمی ارائه شود. در بیان ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است باید با مردم با بیان ساده و به اندازه فهم و درک آنها صحبت کرد تا هدف و غرض از بیان آن مطلب ابتر نباشد در روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است:

«إِنَّمَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نُكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». (نوری، ۱۴۰۸، ۱۱: ۲۰۸)

ما، جماعت پیامبران، فرمان داریم که با مردم به فراخور فهم و خردهایشان سخن بگوییم.

این جهت از ارائه مطلب، ریشه در بلاغت داشته و مشتق از آن است.

جهت دیگر در ارائه دقیق دروس علمی، دقت در مطلب است. در اینجا ضرورت دارد که واژگان یا قواعد یا مسائل علمی دقیق شناخته شده و با توجه به ابعاد مختلف آن ارائه گردد. هر گونه زیاده‌گویی یا کم‌گویی در مطلب ممکن است سبب فهم غلط از مطلب گردد و حق مطلب اداء نشود. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «الا لا خیر فی علم لیس فیہ تفهیم». (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۳۶) یعنی در علمی که تفهیم نباشد، خیری نیست. اگر مطلب به درستی و با دقت ارائه نگردد، مورد فهم متعلم واقع نمی‌شود و در نتیجه در آن خیری نخواهد بود. بنابراین با توجه به اهمیت انتقال مطلب با زبانی ساده توجه به دو نکته ضروری است:

۱) پرهیز از جملات و عبارات پیچیده ای که اگر رعایت نشود سبب می‌شود دانشجو مطالب را به بهترین صورت متوجه نشود.

۲) عدم استفاده از کلمات نامانوس و اصطلاحات خاص علمی که برای فهم و درک کردن آنها نیاز به مراجعه به یک استاد دیگر یا مراجعه به کتاب باشد.

البته ذکر این نکته لازم است، قرار نیست دانشجو کلمات و عبارات علمی را کلا یاد نگیرد بلکه در صورت استفاده توسط استاد باید بطور کافی و وافی عبارات و کلمات توضیح داده شوند تا ذهن دانشجو بجای درگیری با مطالب علمی درگیر فهم کلمات نشود.

3. استفاده مناسب از فرصتهای موجود در وقت کلاس

عمر انسان بسیار مهم و عزیز است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«الْفُرْصَةُ تُمَرٌ مَرًّا السَّحَابُ فَاَنْتَهَزُوا فُرْصَ الْحَيِّ: ((حکمت/ ۲۰)) فرصت، مانند ابر (از افق زندگی)

می‌گذرد، پس فرصت‌های خیر را غنیمت بشمارید و از آنها استفاده کنید»

معلم در کلاس درس نسبت به وقتیکه از متعلمان صرف می‌کند، مسئول است. همچنین ایشان در

منتخب (میزان الحکمه ص ۴۰۳، ح ۴۹۸۵) می‌فرمایند:

«الْفُرْصَةُ سَرِيعةُ الْوَتِّ وَبَطِيئَةُ الْعُودِ؛ فرصت به سرعت می‌گذرد و به کندی بر می‌گردد».

فلذا یکی از امور مورد عنایت اساتید در تدریس باید توجه به این نکته باشد که از وقت کلاس خود به

نحو احسن استفاده بکند و این بمعنای اذیت کردن و عدم تنفس دادن به دانشجو نیست.

حتی گاهی اوقات دیده شده استاد هیچ تاخیر و غیبتی نداشته است، ولی از وقت کلاس بهینه

استفاده نشده است و کلاس به حاشیه و مطالب غیرضرور کشیده شده، و استاد از رسالت اصلی تدریس

خود جا مانده است. و نکته ما در اینجا این است که از فرصتها به بهترین وجه خود برای پیش برد کلاس

و درس، نهایت کوشش را بنماید به این دلیل که فرصتها همانطوری که امام علی علیه السلام فرمودند بمانند ابر

بهراری از دست می‌روند. ضرورت دارد هر استاد و معلم، یک شیوه نامه تدریس و طرح درس داشته باشد

که بتواند کمیت و کیفیت تدریس خود را مورد ارزیابی قرار داده و در مواقع ضرور اسلوب و روش خود را

دست خوش تغییراتی بکند تا از مسیر اصلی خودش دور نشود.

4. نظم و انسجام در مطالب

شاخصه دیگر در تدریس مؤثر انسجام مطالب ارائه شده است. بیان در کتاب غررالحکم و دررالکلم،

حدیث ۳۳۰۴، امام علی علیه السلام

«أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَفَهْمُهُ الْخَاصُّ وَالْعَامُّ» (غررالحکم، حدیث ۳۳۰۴).

بهترین گفتار آن است که ترتیب نیک، بدان آراستگی ببخشد و خاص و عام آن را بفهمند.

با توجه به روایت ذکر شده که بر ضرورت ترتیب و نظم در گفتار تاکید می‌نماید باید عرض کرد برای

هر چه بهتر شدن فهم کلاس و بالا بردن سطح کیفی دانشجوها بر استاد لازم است، که با شیوه ای

منطقی و اصولی و منظم مطالب به دانشجو ارائه شود. به نحوی که توالی آن دست خوش تغییرات

نامتعارف و غیرعلمی واقع نشود. زیرا اصولاً سازماندهی مطالب آموزشی در فهم و فراگیری هر چه بهتر

دانشجو کمک شایانی میکند. و در سرعت انتقال مطلب با کیفیت مطلوب ما را به یک نقطه قابل قبول می رساند. ضرورت تدوین طرح درس و شیوه نامه تدریس را دوچندان می کند و استاد ابتدای کلاس با طرح موضوع اصلی پیرامون مطالب ارائه شده در طرح درس خود پیش می رود با همان اسلوب منطقی و منظم تدوین شده در طرح نامه تدریسی تا بتواند ذهن دانشجو را از پراکندگی و تشویش در امان نگه بدارد و نتیجه و هدف مطلوب را از آن درس یا فصل بدست آورد. وقتی که استاد دارای طرح درس باشد دیگر از فرصت ها به بهترین وجه استفاده میکند و حول مطلب اصلی موضوع پیش می رود و از اتلاف وقت و زیاده گویی جلوگیری می شود و ذهن دانشجو دچار تشویش نمی شود و به اهداف اصلی درس می رسد و از طرح مباحث غیرضروری و زائدی که موجب تلف شدن وقت کلاس و استاد و دانشجو می شود به شدت جلوگیری بعمل می آورد.

5. سرعت گفتار

گاهی استاد در کلاس تناسب سرعت در ارائه مطلب را از دست داده و سبب ملالت شاگردان می گردد. از امام علی (علیه السلام) نقل شده است: *خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يَمْلُ وَلَا يَقِلُّ*. (غررالحکم، حدیث ۴۹۶۹) یعنی بهترین سخن، آن است که نه ملال آورد و نه اندک باشد (اطناب ممل و ایجاز مخل در آن نباشد). همچنین در روایتی دیگر ۳۹۶۶ از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که: *آفَةُ الْكَلَامِ الْإِطَالَةُ*: (غررالحکم، حدیث ۳۹۶۶) امام علی (علیه السلام): آفت سخن، طولانی کردن آن است.

استاد باید در بیان مطالب از سرعت یا کندی پرهیز بکند. و در سرعت انتقال مطالب حد وسط و خط میانه را به پیش گیرد. که هر دو طرف سبب عدم فهم صحیح یا خستگی ملالت آور دانشجو می شود. و در نتیجه سبب اخلال در فراگیری و انتقال مطالب علمی می شود و زحمت استاد و دانشجو به هدر رفته و در واقع از هدف اصلی تشکیل کلاس باز می ماند. تناسب در سرعت ارائه مطلب نیز ریشه در بلاغت داشته و مشتق از آن است.

6. اجتناب از ابهام گویی

در تحف العقول حدیث ۳۱۲: *الإمام الصادق* :

« *لَيْسَتْ الْبَلَاغَةُ بِحِجَّةِ اللِّسَانِ وَلَا بِكَثْرَةِ الْهَدْيَانِ، وَلَكِنَّهَا إِصَابَةُ الْمَعْنَى وَقَصْدُ الْحُجَّةِ*. » (تحف

العقول، حدیث ۳۱۲)

بلاغت به [معنای] تندى زبان و پَرت و پلاگوبى بسيار نيست بلکه بلاغت، رساندن معنا و آوردن دليل و برهان درست است .

همانطوري که به صراحت در کلمات معصومين عليه السلام هست استاد در انتقال مطلب درسي بايد به اين نکته دقت داشته باشد که از ابهام گويى در کلمات پرهيز بکند و از کلمات صريح و روشن استفاده بکند تا اينکه به روند انتقال سريع مطالب به دانشجو تسريع ببخشد.

از امام على عليه السلام نقل شده است:

«أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا لَا تَجُحُّ الْأَذَانُ وَلَا يَتَعَبُ فَهْمُهُ الْأَفْهَامُ». (غررالحکم، حديث ۳۳۷۱)

بهترین سخن، آن است که گوشها از شنیدن آن رنجه و بیزار نشود و فهمیدن آن، اندیشه ها را به رنج نیندازد .

بارها در امر تدریس تجربه شده است که اگر سخن با فصاحت و بلاغت همراه گردد، متعلم نه تنها از کلاس دچار خستگی و ملالت نمی‌گردد، بلکه با اشتیاق بسیار به ادامه درس تمایل نشان می‌دهد. یکی از هنرهای اساتید محترم این است که قبل از شروع کلاس در مورد کلمات و جملات خود تأمل بکنند و در مورد کلمات علمی که میخواهند استفاده بکنند و بعضاً ممکن است اولین بار است که چنین کلماتی را یک دانشجو می‌شنود از کلمات ساده استفاده بکنند یا احياناً اگر کلمات چنین قابليتى ندارند همان کلمات علمی را با بيانى شيوا و توضيح بيشتري به مخاطب خود الغاء بکنند که دانشجو نه تنها دچار تحير فهم کلمات تخصصی نشود، بلکه همان اصطلاحات با همان حدود معنایی دقیق، به درستی ادراک نماید. برخی به اشتباه تصور می‌کنند که استفاده از الفاظ و واژگان نامأنوس به معنای سواد و علمیت است. لکن باید از این تصور دوری نمود و به درستی فهمید که فصاحت استاد نشانه تسلط او بر مباحث علمی است. لذا هر چه در کلاس از کلمات ساده و در عین حال با دقت استفاده بشود کلاس علمیت خودش را پیدا کرده است چونکه استاد توانسته است به هدف خود در انتقال مطالب علمی به نوآموز موفق عمل بکند. مثلاً در اثبات برهان امکان و وجوب می‌توان با توضیح ساده‌ای از مفردات آن یعنی چهار اصطلاح ممکن، واجب، دور و تسلسل مشکل را حل کرد البته به شرط اینکه استاد قبلاً با عنایت به این مطلب، روی درس تأمل کرده و توانایی لازم در فصاحت و بلاغت را هم کسب نموده باشد.

نتیجه گیری :

نظام تعلیم و تعلم یک نظام بسیار پیچیده و در عین حال مقدس است که معلم را در تراز انبیاء قرار می‌دهد. زیرا هدف از بعثت انبیاء هدایت و سعادت بشر بوده است و معلمان و استادان نیز در ادامه مسیر آنان، با تعلم متعلمان اعم از دانشجویان و دانش آموزان بستر ساز سعادت دنیوی و اخروی آنان می‌گردند. اما این بستر سازی در صورتی منتج خواهد بود که استادان و معلمان روش تدریس مؤثر را آموخته باشند. تدریس مؤثر را می‌توان از منابعی همانند قرآن کریم، روایات و همچنین تجربه بشری آموخت. اما نباید از یاد برد که آموزه‌های ناب تدریس مؤثر برخاسته از منبع وحی است. در ادامه و منبع وحی، سیره و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام قرار دارند.

در کانون نظر شناخت سیره اهل بیت علیهم السلام کتاب شریف نهج البلاغه است که حاوی برخی از مهمترین خطبه‌ها و نامه‌های امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌باشد. حضرت علی علیه السلام در کتاب نهج البلاغه با زبانی شیوا و زیبا به بیان حقایق و انتقال محتوا به مخاطبان خود می‌پردازد. به گونه‌ای که می‌توان از آن روش و سیاق تدریس مؤثر را آموخت. در این کتاب هم از نظر ساختار بیانی و هم از نظر محتوایی، فصاحت و بلاغت یک استاد و معلم متصل به منبع وحی به شدت ظهور و تجلی دارد. پرهیز از اطناب یا ایجاز غیر ضروری، شیوایی در گفتار، زیبایی در انتخاب واژگان، عقلانیت حاکم بر استدلال، تناسب مطالب ارائه شده با فهم مخاطبان، همه و همه الگوهای مناسبی از ارائه مطلب را نشان می‌دهد که بعد از استنباط ابعاد و زوایای آن، می‌تواند الگوی مناسب در تدریس مؤثر باشد.

در سیره علوی علیه السلام از لایه‌های رفتاری تا لایه‌های گفتاری، شاخصه‌های مناسب تدریس مؤثر دیده می‌شود که برخی از مهمترین آنان عبارتند از: الگو بودن رفتارهای امام علی علیه السلام برای مخاطبان و متعلمان، رعایت فصاحت و بلاغت در بیان مطالب و آموزه‌ها، دقت بیان در ارائه محتوا با حفظ حدود محتوایی، گفتاری روان، استفاده مناسب از فرصتهای ایجاد شده، اجتناب از ابهام گویی و غیره. تمرین در الگوبرداری از سیره علوی علیه السلام می‌تواند استاد و معلم را در رسیدن به هدف مطلوب یعنی تدریس مؤثر و موفقیت در مأموریت پیش‌روی را می‌دهد.

منابع :

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، سید رضی رحمته، چاپ اول، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
 ۲. محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۸۳ش، حکایت‌های شنیدنی، چاپ اول، قم: علامه.
 ۳. الآمدی، عبدالواحد، ۱۴۲۹ق، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق السید مهدی الرجائی، قم: مؤسسه دار الکتاب الاسلامی.
 ۴. حرانی، ابن شعبه، ۱۳۶۳ش، تحف العقول عن آل الرسول علیهم‌السلام، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: بی‌جا.
 ۵. زهدات، عبدالحمید، ۱۳۸۶، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، قم: بوستان کتاب.
 ۶. خمینی ره، سید روح‌الله بن مصطفی، ۱۲۷۹—۱۳۶۸ش، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی ره (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها) (جلد سیزدهم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۷. شعبانی، حسن، ۱۳۹۳ش، مهارت آموزشی: روش‌ها و فنون تدریس، تهران: انتشارات سمت.
 ۸. فتحی‌واجارگاه، کورش، ۱۳۸۹، اصول برنامه ریزی درسی، تهران: انتشارات ایران زمین.
 ۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، الکافی، ۸جلد، طهران: دار الکتب الإسلامیة.
 ۱۰. لیاقت‌دار، محمدجواد، ۱۳۹۶، آموزش در نهج البلاغه: اصول و مهارت‌های تدریس و یادگیری از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
 ۱۱. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ هـ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلد، اول، لبنان، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
 ۱۲. نوروزی، محمدتقی، ۱۳۸۵ش، «فرهنگ دفاعی-امنیتی»، مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت، چاپ اول، تهران: سنا.
13. -Daniel D, Reynolds D. Effective teaching: evidence and practice. ۳rd Ed. Los Angeles : SAGE; ۲۰۱۱
14. -Ellis, V., & Loveless, A. (۲۰۱۳). ICT, pedagogy and the curriculum: Subject to change. Routledge

15. -Brun, M., & Hinostroza, J. E. (۲۰۱۴). Learning to become a teacher in the ۲۱st century: ICT integration in Initial Teacher Education in Chile. *Educational Technology & Society*, ۱۷(۳), ۲۳۸-۲۲۲ .

